

بسمه تعالی

### آیا امام حسین(ع) در زمان معاویه سکوت کردند؟

با آنکه امام حسین(ع) قیام را در زمان معاویه صلاح نمی دانستند، اما این باعث نمی شد که در برابر بدعت ها و ستم های معاویه سکوت کنند. بلکه ایشان در آن شرایط پر خفقان که کسی جرأت اعتراض نداشت، در برابر ظلم های معاویه به مبارزه و مخالفت برخاستند که می توان به سخنرانی کوبنده ایشان در مراسم حج در «منا»، دو سال قبل از هلاکت معاویه اشاره نمود که بخش هایی از آن آورده می شود:

«ای رجال مقتدر! شما دسته ای هستید که به دانش و نیکی و خیرخواهی معروفید، و به خاطر خدا در دل مردم هیبتی دارید که هم بزرگان و هم ضعفا، شما را گرامی می دارند و آنان که هم درجه شمایند و بر آنها حق نعمتی ندارید، شما را بر خود پیش می دارند... آیا همه اینها از آن رو نیست که به شما امیدوارند که به حق خدا قیام کنید؟ اگرچه شما در اغلب موارد از انجام وظیفه و احقاق حق الهی کوتاهی کرده اید و حق امامان را کوچک شمرده اید، شما نسبت به حق ضعفا و محرومین کوتاه آمده اید. این حقوق را نادیده گرفته اید و سکوت کرده اید اما هر چیز که فکر می کردید حق خودتان است مطالبه کردید. شما نه مالی در راه خدا بذل کردید و نه جانتان را برای خدا که آن را آفریده به مخاطره انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویش ها و دوستانتان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر بشوید. آیا با همه این کوتاهی ها، بهشت و همنشینی با پیامبران و امان از عذاب او را از درگاه خدا آرزو مندید؟ ...

ای رجال مقتدر! شما به چشم خود می بینید که پیمان های الهی را می شکنند و با قوانین خدا مخالفت می کنند، ولی بیم و هراسی به خود راه نمی دهید. از نقض عهد و پیمان پدرانتان به هراس می افتید، ولی به این که پیمان های رسول خدا(ص) شکسته یا خوار گشته، اهمیتی نمی دهید.

افراد کور و لال و زمین گیر کشور اسلامی، بدون سرپرست و مراقبت مانده اند و بر آنها رحم نمی شود، اما شما در خور موقعیت و منزلت خود کاری نمی کنید و به کسی که وظیفه خود را در این مورد انجام می دهد، یاری نمی کنید، و با سازش و همکاری و مسامحه با ستمگران، خود را آسوده می دارید. خداوند فرمان جلوگیری از منکرات و بازداشتن مردم از آن ها را داده است ولی شما از آن غافلید. مصیبت بر شما از همه مردم بزرگ تر است...

زمام امور باید در دست کسی باشد که عالم به احکام خدا و امین بر حلال و حرام اوست و شما دارای این مقام بودید و از دستتان گرفتند، و هنگامی این مقام را از دست شما گرفتند که از پیرامون حق پراکنده شدید و با وجود دلیل روشن، در سنت پیامبر(ص) اختلاف ورزیدید.

اگر در راه خدا مشکلات را تحمل کرده، در برابر آزارها و فشارها شکیبایی از خود نشان می دادید، زمام امور در قبضه شما قرار می گرفت. ولی شما ستمگران را بر مقدرات خود مسلط ساختید و امور خدا را به آنها تسلیم کردید تا حلال و حرام را در هم آمیزند و در شهوات و هوسرانی های خود غوطه ور شوند. آنان را بر این مقام مسلط ساخت مگر گریز شما از مرگ و دل بستگی تان به زندگی چند روزه دنیا!...

شگفتا از این وضع! و چرا در شگفت نباشم در حالی که زمین در تصرف فردی ستمگر و دغلاکار و باجگیری نابکار است که بر مؤمنان بی هیچ ترحم حکمرانی می کند. خدا در کشمکش میان ما حاکم و او به حکم خود بین ما داور است.

پروردگارا! این حرکت ما نه به خاطر رقابت بر سر حکومت و قدرت و نه به منظور به دست آوردن مال بی ارزش دنیا است. بلکه به خاطر آن است که نشانه های دین تو را به مردم نشان دهیم. تا بندگان ستم دیده تو آسوده گردند و به فرایض و سنن و احکام تو عمل کنند.

و شما (ای مردم!) اگر ما را (در این راه مقدس) یاری نرسانید و در خدمت ما نباشید، ستمگران (بیش از پیش) بر شما نیرو گیرند و در خاموش کردن نور پیامبر شما بکوشند. خدا ما را بس است و بر او توکل داریم و به سوی او باز می گردیم و سرانجام به سوی اوست.» (منبع: فرهنگ سخنان امام حسین(ع) - محمد دشتی)